

## نگاهی به تصحیح متون در دوره قاجار

دکتر شهرام آزادیان

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

(از ص ۱۵۱ تا ۱۷۰)

### چکیده:

در این مقاله ابتدا کلیاتی درباره روش تصحیح متون در دوره قاجار ذکر شده، سپس تعدادی از مهمترین متون چاپ شده در این دوران معرفی و بررسی شده‌اند. هدف این مقاله نشان دادن اولین نمونه‌های تصحیح متون در ایران است.

واژه‌های کلیدی: تحقیق، تصحیح، متن، چاپ سنگی، قاجاریه.

### مقدمه:

تصحیح به معنای عام آن یعنی «سعی در نزدیک کردن متن بصورت اصلی آن» در ایران سابقه‌ای طولانی دارد. قدما به روش‌های سنتی خود به این کار می‌پرداختند و نمونه‌هایی نیز از این گونه تصحیحات در دست است. مانند: حدیقه سنائی تدوین محمد علی الرفاء، شاهنامه حمدالله مستوفی، شاهنامه بایسنقری، مثنوی و حدیقه عبداللطیف عباسی. جمع اشعار شعرا را نیز از این مقوله می‌توان محسوب داشت مانند جمع آثار مسعود سعد توسط سنائی. حتی کار ابوبکر بیستون را در برهم زدن ترتیب کلیات و غزلیات سعدی می‌توان نمونه‌ای ضعیف از این گونه روشهای متن شناسانه قدما دانست. از نگاهی دیگر تغییرات کاتبان را هم می‌توان نوعی تصحیح ذوقی و قیاسی دانست که گاهی واقعاً از روی خیرخواهی و برای صحیحتر و مفهومتر کردن متن بوده است.

البته در مورد زبان عربی، کار از لونی دیگر بود و از همان زمان هم اطلاعاتی درباره چگونگی تصحیح متون ادبی و علی‌الخصوص متون دینی در دست است که از جهت علمی بسیار با نمونه‌های فارسی متفاوتند و گاهی به روشهای جدید نیز در دقت و صحت نزدیک می‌شوند. (رک: پژوهش ادبی از شوقی ضیف، صص ۲۲۴ - ۲۲۱)

چند نکته را می‌توان جزء خصوصیات روش تصحیح قدما دانست: ۱ - معیار اصالت نسخه در درجه اول بجای صحت و یا قدمت، تفصیل و افزونی نسخه بر دیگر نسخ بود و بهمین جهت کاتبان همواره در فکر بوجود آوردن نمونه‌هایی مفصلتر و جامع‌تر بودند تا نسخه‌هایی منقحتر. ۲ - قدما بیشتر به روانی و زیبایی متن توجه داشتند تا به حفظ صورت اصلی مولف دستور تاریخی و سیر تحول زبان برایشان موضوعی نامشخص و بی‌اهمیت بود. از همین روست که کاتبان براحتی لغات قدیمی را عوض و تعبیرات درشت یا مهجور یا پیچیده گذشتگان را به صورتهایی لطیف‌تر و مطابق‌تر با زبان روز تبدیل می‌کردند. ۳ - نسخه بدل و حفظ صورت نسخه‌های مختلف، برای قدما مطلب مهمی نبود و در متون محدودی

می توان آنها را یافت. در موارد اختلاف، کاتب به ذوق و معلومات خود تکیه می کرد و جایی هم اگر متن را نمی فهمید براحتی آنرا حذف و یا مسخ می کرد. (از همین روست که گفته اند: اذا نُسِخَ الْكِتَابُ ثَلَاثَ نَسَخٍ وَلَمْ يَعَارِضْ تَحْوِلَ بِالْفَارَسِيَّةِ. (خلیل بن احمد نحوی) نقل از چهار مقاله چاپ مرحوم قزوینی، ص، کا). به همین جهتست که در تصحیح، نسخه هایی که بدست کاتبان بیسواد نوشته شده اند بر نسخ فضلا برتری دارند. چون کاتب بیسواد عیناً کلمه را نقاشی و بالاخره اصالت متن را بصورتی ناقص حفظ می کند.

هنگامی که چاپ سنگی در دوره فتحعلیشاه و در محدوده ای بین ۱۲۳۰ هـ ق تا ۱۲۵۰ هـ ق وارد ایران شد (درباره ظهور چاپ در ایران، رک: از صبا تا نیما، ج ۱، ص ۲۳۴-۲۲۸). وضع تصحیح متن بدین صورت بود و همین روشها در متون چاپ سنگی اولیه نیز اعمال می شد. در واقع چاپهای اول متون بصورت سنگی در حکم نسخ خطیند، چون بطور مستقیم از روی نسخه های خطی نوشته شده اند. گاهی هم این چاپها ارزش زیادی دارند چون ممکن است از روی نسخی قدیمی نوشته شده باشند که امروز در دست نیستند. اما چاپهای سنگی بعدی عموماً از روی همان چاپهای قبل منتشر شده اند و اصالتی ندارند.

مباشرتین چاپ متون در اوایل ورود چاپ چندان توجهی به صحت متون منتشر شده نداشتند بلکه بیشتر برایشان خط و کاغذ و تصاویر کتاب مهم بود و خوانندگان نیز به همین مسایل توجه داشتند. به همین خاطر در این چاپها اغلاط و تحریفات فراوان می توان یافت، بطوری که در اکثر موارد نسخ خطی بر این چاپها از جهت صحت برتری دارند. ارزش اصلی این چاپها را در بسط ادب و فرهنگ می توان خلاصه کرد. با ورود چاپ، متونی که فقط بصورت نسخی خطی و در دست افراد معدودی بودند - مثلاً در سال ۱۲۶۶ هـ ق که دیوان انوری بچاپ رسید، چند نسخه خطی دیوان انوری در کل ایران وجود داشت؟ - به میان مردم آمدند و رواج بیشتری را در حوزه ادب باعث شدند. علاوه بر این کتب چاپی پایه تشکیل

کتابخانه‌ها هستند و چاپ متون و ورودشان به بعضی مدارس در ترویج ادبیات فارسی نقشی بسزا داشته است.

در زمان قاجار اصولاً ناشر به معنی امروزین خود بسیار کم است و بیشتر این متون را صاحبان چاپخانه‌ها منتشر کرده‌اند و اینکار هم اکثر به درخواست اشراف فاضل قاجار یا بعضی از تجار و اهل دین انجام شده است، افرادی مانند امیر نظام گروسی، علاء الدوله، بهمن میرزا قاجار، نجم الدوله، اعتضاد السلطنه و ... مصححین این متون هم در بیشتر موارد خود کاتبان و در بعضی موارد بعضی فضلا بوده‌اند که ذکرشان خواهد آمد.

به چند نکته پیش از آغاز بحث در کتابها باید اشاره کرد:

اول: به متون چاپ سنگی از دو دیدگاه می‌توان نگاه کرد: ۱- به عنوان مآخذی برای تحقیق و یا مطالعه ۲- به عنوان میراثی از کوششهای قدما در راه ادب. در نگاه اول حتی بهترین این متون را در مقایسه با چاپهای جدید مغلوط و ممسوخ می‌توان دانست. در این حوزه جز در بعضی موارد این کتابها بکار نمی‌آیند و استفاده از آنها حتی می‌تواند باعث بی‌اعتباری یک کار علمی شود. اما اگر این متون را در ظرف زمانی خود ببینیم مسأله تفاوت می‌کند. بعضی چاپها از بعضی دیگر بهترند و در بعضی از تمامی روشها و امکانات آن زمان در چاپ و تصحیح کتاب استفاده شده است. پس هنگامی که در این مقاله از بعضی از این متون تعریف می‌شود و ذکر از صحت آنها می‌رود به معنی برتری آنها بر چاپهای جدید و یا بی‌غلط بودنشان نیست؛ بلکه این صحت و برتری نسبت به متون هم دوره کتاب است. مسلماً دیوان سنایی چاپ تهران و مثنوی علاءالدوله قابل مقایسه با چاپهای استاد مدرس رضوی و نیکلسون نیستند اما به نسبت زمان خود چاپهایی معتبرند.

دوم: متأسفانه کتابشناسی جامع و معتبری از کتب چاپ سنگی در دست نیست و در صفحه عنوان این کتابها هم، عموماً ذکر از مصحح نشده است. بنابراین برای تشخیص متونی که در آنها نوعی از تصحیح اعمال شده است باید تمام متون چاپ

شده را دید. متأسفانه این کار بدلیل نایابی کتابها و اکراه کتابخانه‌ها از ارائه و در اختیار گذاشتن آنها کاری بسیار دشوار و شاید ناممکن است. علاوه بر اینکه، هستند کتابهایی که در کتابخانه‌ها هم از آنها اثری نیست. از این رو این مقاله فقط بعنوان درآمدی بر این موضوع، سعی در معرفی تعدادی از مهمترین این متون دارد.

از چاپهای مهم و معتبر تبریز می‌توان به دیوان انوری اشاره کرد (۱۲۶۶ هـ.ق). طبعاً هیچگونه توضیحی راجع به نسخ مورد استفاده چاپ داده نشده و هیچگونه توضیح و حاشیه‌ای هم در معانی لغات ندارد. اما ظاهراً از روی نسخ معتبری بچاپ رسیده و نسبت به دوره خود چاپ کم غلط و معتبری است؛ با توجه به اینکه انوری متن مشکلی است. راجع به این چاپ اظهار نظرهای متفاوت است. بقول مرحوم استاد سعید نفیسی «یکی از بهترین کتابهایست که سابقاً در ایران چاپ سنگی کرده‌اند». (مقدمه دیوان انوری، ص ۵۳) ولی بقول مرحوم استاد مدرس رضوی «این نسخه بسیار مغلوط و ناقص است و مورد اعتماد نمی‌باشد و از غزلیات و قطعات آن بخش مهمی افتاده است.» (مقدمه دیوان انوری، ص ۱۳۸). شاید تفاوت در نقد این کتاب از همان دو دیدگاهی که قبلاً ذکر شد نشأت گرفته باشد.

سال بعد (۱۲۶۷ هـ.ق) در تهران شاهنامه‌ای بچاپ رسید که قابل توجه است. این شاهنامه باهتمام حاجی عبدالمحمد رازی چاپ شده است. ابتدا باید دانست که اکثر قریب به اتفاق شاهنامه‌هایی که بصورت سنگی بچاپ رسیده‌اند تجدید چاپیند از چاپ ترنر ماکان در کلکته (۵-۱۲۴۴ هـ.ق = ۱۸۲۹ م) که با استفاده از چند نسخه خطی قدیم و جدید بصورت قیاسی بچاپ رسیده و ملحقات شاهنامه، فرهنگی از لغات شاهنامه و مقدمه‌ای در زندگی فردوسی دارد. تقریباً تمامی چاپهای سنگی شاهنامه عیناً همین ملحقات و فرهنگ و مقدمه را دارند و تقسیم بندی ۴ جلدی ماکان را هم در جلدبندی شاهنامه رعایت کرده‌اند. ولی مصحح این کتاب خود نیز کاری کرده است. در ۱۲۶۳ هـ.ق که مصحح در هند بوده است موفق به مطالعه چاپ ماکان می‌شود و بعد از آن ۶ نسخه خطی بدست می‌آورد که ۴

نسخه هندی و ۲ نسخه ایرانی بوده‌اند. بعد از مقابله نسخ بر او معلوم می‌شود که چاپ ماکان بر پنج نسخه از شش نسخه او برتری دارد. اما نسخه ششم که ایرانی و متعلق به ۵۰۰ سال قبل بوده است ابیاتی اضافه بر متن ماکان دارد. مصحح هنگام چاپ کتاب حدود ۲۰۰ بیت را بر متن افزوده و حدود ۱۰۰ بیت را هم که ارزش خاصی نداشته‌اند از متن حذف کرده است البته این ابیات فقط در نسخ هندی بوده‌اند. بعید نیست که گاهی هم بر اساس این نسخ تصحیحاتی در متن شده باشد که کشف این مسئله مستلزم مقایسه کتاب با چاپ ماکان است. مقدمه این کتاب هم جالب توجه است. این مقدمه بحثی دارد در باب ملحقات شاهنامه و مصحح با توجه به سستی اشعار و انقطاعی که این داستانها در شاهنامه بوجود می‌آورند نتیجه می‌گیرد که این ملحقات اصولاً از شاهنامه نیستند. در بین چاپ‌های سنگی شاهنامه، این چاپ جزء معدود مواردی است که مصحح سعی در بهتر کردن متن کتاب کرده است. البته در نهایت متن کتاب بسیار شبیه به ماکان است؛ ولی بهرحال همین سعی هم مشکور است.

ترجمه تاریخ یمینی عتبی از ناصح بن ظفر جرفاذقانی که در ۱۲۷۲ هـ ق در تهران بچاپ رسید، هم جزء متون مهم این دوره است. این کتاب بکوشش بهمن میرزا قاجار چاپ شده و مصحح کتاب حبیب‌الدین محمد جرفاذقانی است. بقول بهمن میرزا در حدود ۱۲۷۱ هـ ق دو سه نسخه معتبر از کتاب همراه با شرح منینی بر عتبی و چند کتاب لغت بدست او می‌رسد و او هم از مصحح تقاضا می‌کند که کتاب را تصحیح کند و رساله عتبی را هم که مترجم ترجمه نکرده بوده ترجمه کند. در حواشی کتاب بسیاری از لغات معنا شده‌اند و گاهی مصحح با قید (ظ) تصحیحات خود را ذکر و بعضی نسخه بدلها را هم نقل کرده است. ابیات عربی کتاب اعراب گذاری شده و رساله عتبی هم بنثری مصنوع ترجمه شده است. کلاً این کتاب جزء چاپهای خوب و دقیق دوره سنگی است و مصحح هم مردی فاضل بوده است. البته این چاپ هم از اغلاط خالی نیست. بقول مرحوم دکتر شعار: «نقص

چاپ سنگی منحصر به چند غلط یا اشتباه نیست بلکه در عبارات کتاب دخل و تصرف فراوان شده و اصالت متن تا حدی از میان رفته است» (رک: مقدمه مرحوم دکتر شعار بر چاپ ترجمه تاریخ یمینی، ص ۳۹ و صص ۴۰ - ۳۹ که بعضی ایرادات چاپ سنگی را ذکر کرده‌اند). البته همین نکته که دکتر شعار در چاپ خود از این چاپ هم بعنوان منبع استفاده کرده نشان از اعتبار و صحت نسبی آن دارد.

در دیوان سنایی که دو سال بعد در ۱۲۷۴ هـ ق به چاپ رسیده متأسفانه هیچ ذکری از مصحح یا خطاط یا چاپخانه نشده، ولی از بعضی قرائن می‌توان نتیجه گرفت که مصحح، اهل تصوف و هم کاتب و هم مصحح کتاب بوده است. دقت زیادی در چاپ کتاب بخرج رفته و علاوه بر زیبایی خط و خوبی کاغذ - که کتاب را شبیه نسخه‌ای خطی کرده - در صحت متن هم تلاش شده است. گویا مصحح چند نسخه خطی در دست داشته است. گاهی در حواشی کتاب ابیاتی را اضافه کرده و حتی در جایی چند بیت از یک ترکیب بند را بخاطر اینکه مناسب نبوده در حواشی آورده است تا از بین نرود و جایش را خالی گذاشته تا اگر کسی شعر را یافت در آن بنویسد. (دیوان، ص ۱۳۸). گاهی در متن شماره گذاری هم رعایت شده و حواشی ابیات بر اساس شماره‌ها نوشته شده‌اند (همان، ص ۶۹ و ۶۴). کتاب در دو جلد چاپ شده، جلد اول؛ قصاید (ص ۱۴۴-۱)، جلد دوم؛ بقیه دیوان. این کتاب چاپی است ارزشمند و دقیق که دقت علمی را نسبت به زمان خود بخوبی رعایت کرده متن نسبتاً صحیحی هم دارد، بطوری که استاد مدرس رضوی در چاپ دیوان سنایی همین چاپ را اساس قرار داده است. بقول او «یکی از (چاپهای دیوان) در سال ۱۲۷۴ در تهران با خط نستعلیق بسیار خوب و چاپ سنگی که نسبت به نسخه‌های خطی جامع‌تر و محققاً از چند نسخه جمع‌آوری شده و ابیات آن در حدود یازده هزار بیت می‌باشد و در واقع همین نسخه اساس نسخه حاضر است» (مقدمه دیوان سنایی، چاپ دوم، ص ۱۴۳). با کمال تأسف هیچ اطلاعی از ناشر در دست نیست و احتمالاً برای حفظ ثواب نام خود را مخفی داشته است.

دیوان قآنی هم که در ۱۲۷۴ هـ ق در تهران بچاپ رسید بسیار ارزشمند است. این کتاب جزء اولین مجموعه‌های اشعار معاصرین است که با فاصله کمی بعد از فوتشان بچاپ رسیده است (در مورد قآنی با فاصله چهار سال). و این نشان از توجه به شعر معاصرین و درک لزوم جمع اشعارشان در همان دوره ایشان و جلوگیری از تفرق آثارشان دارد. این کتاب به همراه اشعار فروغی بسطامی، به خط میرزا محمد رضای کلهر استاد خوشنویسی و باهتمام جلال الدوله قاجار بچاپ رسیده است. در جمع آوری اشعار این کتاب دقت شده است و اشعار موجود در آن به اغلب احتمال همه از قآنی است. (قس: دیوان یغما).

چندین شاهنامه در فاصله ۷۶ - ۱۲۷۵ هـ ق در تبریز و بمبئی بچاپ رسیده که با وجود شهرت (چاپ اردوبادی، چاپ آقا، چاپ صاحب شیرازی) همه عیناً از روی چاپ ماکان منتشر شده‌اند و خصوصیتی ندارند.

دیوان ناصر خسرو که در ۱۲۸۰ هـ ق در تبریز بخط عسگر اردوبادی چاپ شده هم قابل توجه است. این کتاب حدود ۷۰۰۰ بیت دارد و در مقدمه کتاب سرگذشت مجهول ناصر خسرو هم بچاپ رسیده است. گاهی در حواشی لغات معنی شده‌اند ولی نسخه بدلی ندارد. کاتب در انتهای کتاب از اغلاط متعدده آن که بخاطر نبودن نسخ متعدده پیش آمده عذر خواسته است و این از درک لزوم در اختیار داشتن بیش از یک نسخه برای چاپ متن حکایت می‌کند.

دیوان یغمای جندقی را که در سال ۱۲۸۳ هـ ق در تهران و باهتمام اعتضاد السلطنه بچاپ رسیده است می‌توان همانندی برای دیوان قآنی کلهر دانست و هر دو حکایت از توجه به آثار معاصرین می‌کنند. جامع این کتاب حاج محمد اسماعیل طهرانی از دوستان یغما بوده که هم در زندگی و هم بعد از مرگ یغما، همواره بدنبال دست یافتن به نثر و شعر او بوده و در همان زمان یغما هم به اینکار مشهور بوده است. اما خود حاجی موفق به چاپ این کتاب نشد و بعد از مرگ او پسرش میرزا عبدالباقی طبیب کتاب را به چاپ رسانید (رک: از صبا تا نیما، ج ۱، ص ۱۱۲).



کتاب به دو بخش نظم و نثر تقسیم و هر بخش هم بفصول متعددی تجزیه شده است. لغات مشکل در حواشی معنی شده‌اند و در چاپ کتاب هم دقتی بکار رفته است. عیب بزرگی که بر این دیوان و جمع حاجی از همان زمان یغما و حتی توسط خود یغما گرفته شده (همان، ص ۱۱۳). اینست که حاجی به دلیل شوقی که به یافتن آثار یغما داشته هر چه را که بنام او می‌دیده یا می‌شنیده بلافاصله و بدون تحقیق وارد دیوان می‌کرده و از اینراه اشعار فراوانی از دیگران از جمله پسر یغما، میرزا اسماعیل هنر، وارد دیوان شده است. (همان). شاید امروز این بخل حاجی در نشان ندادن این کتاب به دیگران و جمع کردن همه اشعار و آثار منسوب، بصورت دیگری جلوه کند. اما اگر در آن زمان، حاجی دست به تنقیح این مجموعه به میل دیگران می‌زد، بسیاری از آثار قطعی یغما هم از روی کینه‌ها و مصلحتها از بین می‌رفتند. در حالیکه امروز ما می‌توانیم بدون حب و بغض این اشعار را نقد کنیم و اضافات آنرا کنار گذاریم. بنظر من کار حاجی نوعی احتیاط و وسواس علمی و جلوگیری از هدم آثار بوده تا ساده لوحی.

یکی از مهمترین و بهترین کتب این دوره قابوسنامه عنصرالمعالی و توزک تیموری است که باهتمام رضاقلی خان هدایت در ۱۲۸۵ هـ ق در تهران چاپ شده است. بحثی راجع به مآخذ مورد استفاده در مقدمه کتاب نیامده و فقط زندگینامه مختصری از مؤلف نوشته شده است. گاهی بعضی لغات در حواشی معنی شده‌اند ولی کتاب نسخه بدل ندارد. اما بخاطر تسلط مرحوم هدایت و خوبی نسخه اصل، کتاب کم غلط از آب درآمده است. مصححین قابوسنامه نیز بر همین نظرند بقول مرحوم استاد نفیسی «بی‌تردید چاپ هدایت بهترین چاپ آن (قابوسنامه) است و تنها نقصی که دارد اینست که از اصل نسخه چند صفحه ساقط بوده است» (مقدمه قابوسنامه، ص، کا). و بقول مرحوم دکتر یوسفی «بر روی هم چاپ خوبی است ولی چون نسخه اصل آن نقائص داشته است در چاپ هم بهمان صورت است» (مقدمه قابوسنامه، ص ۲۳).

دیوان مسعود سعد بتصحیح و اهتمام سید ابوالقاسم خوانساری در ۱۲۹۶ هـ ق در تهران بچاپ رسیده است. بقول مصحح و ناشر در انتهای کتاب، بعد از تفحص بسیار در کتابخانه اعتضاد السلطنه نسخه‌ای مرغوب و صحیح بدست مصحح می‌رسد که همان را مبنای کار قرار داده و متن را از روی آن چاپ کرده است. بنابراین کلاً چاپی تک نسخه‌ای است ولی متأسفانه ذکری از خصوصیات نسخه مورد استفاده نشده است. این چاپ ابیات و قصائدی را نسبت به چاپ مرحوم رشید یاسمی و آقای دکتر نوریان فاقد است. حکایتی که مرحوم رشید یاسمی درباره این چاپ آورده نشان از وضعیت کتاب و متون ادبی در آن زمان دارد: «یکی از فضلا از قول مرحوم حاج آقا رضا کتابفروش معروف حکایت می‌کرد که ناشر دیوان مسعود همسایه حجره ما بود. اکثر شبها می‌دیدم که در را فرو بسته و چیزی را همی زند و همی کوبد. شبی از او پرسیدم که خورنده این ضربتها کیست؟ گفت این کتاب است که مایه خود را در پایش صرف کرده‌ام و چون کوهی در حجره من انباشته شده و شریک عمرم گشته است». (مقدمه دیوان، ص، ب).

عبدالغفار نجم الدوله (ف: ۱۳۲۶ هـ ق) جزء معدود کسانی است که در آن زمان توجه به شیوه علمی کردند و خدمات ارزشمندی به فرهنگ ایران نمودند. این دقت هم شاید از روحیه علمی و آشنایی آن مرحوم با ریاضیات سرچشمه می‌گیرد. از جمله تصحیحات او اسرارنامه عطار است که در ۱۲۹۸ هـ ق در تهران چاپ شده است. طبق گفته مصحح (ص ۲۱۱). ابتدا متن از روی چند نسخه جمع‌آوری و چاپ شده بوده ولی بعد نسخه‌ای کهنه و مغشوش بدست مصحح می‌رسد که حدود ۳۰۰ بیت اضافه بر متن داشته است. مصحح برای رفع این عیب این ۳۰۰ بیت را در انتهای کتاب چاپ کرده و جای هر بیت را هم دقیقاً با ذکر سطر و صفحه نشان داده است. کتاب غلطنامه‌ای مفصل دارد که نشان از دقت مباشر چاپ می‌دهد و در انتهای کتاب گزیده‌ای هم از رباعیات عطار چاپ شده است. (ص ۲۱۰-۲۰۴)، این کتاب نمونه‌ای ارزشمند از شیوه علمی و دقت و امانت نجم الدوله

است.

یکی از مشهورترین چاپهای سنگی در ۱۲۹۹ هـ.ق در تهران بچاپ رسید: مثنوی علاءالدوله. مصحح و مدون کتاب آقا میرزا محمد طاهر مستوفی کاشانی است. مصحح ذکر کرده که با اینکه مثنوی چند بار چاپ شده است (از جمله چاپ وقار شیرازی)، ولی ابیات الحاقی فراوانی در آن وجود داشت. از اینرو نسخه‌ای متعلق به ۶۰۰ سال قبل مورد استفاده قرار گرفته و کتاب با آن مقابله شده و ابیات الحاقی با علامت (خ) در بالای آنها مشخص شده‌اند. نفس این عمل کار مهمی است و نشانه‌آشنایی مصحح با اصول تصحیح دارد. کتاب دو غلطنامه دارد. یکی غلطنامه متن و دیگری غلطنامه کشف الابیات و خود غلطنامه. این هم نشان از دقت مصحح می‌دهد. از مزایای این کتاب کشف الابیات آن است که توسط مصحح جمع آوری شده و اولین نمونه از این کار است. در حواشی کتاب بسیاری از لغات و اشارات قرآنی توضیح داده شده‌اند. یکی از نکات جالب شماره گذاری سطور است، و لغات طبق شماره سطور معنی شده‌اند و این نشان از آشنایی مولف با شیوه‌های غربی دارد. این مثنوی کتابی است زیبا که بسیار بر سر آن زحمت کشیده شده است و تا زمان چاپ نیکلسون معتبرترین مثنوی در ایران بشمار می‌رفت.

کلیله و دمنه امیر نظام در ۱۳۰۵ هـ.ق در تبریز بچاپ رسید و مصحح آن محمد کاظم الحسنی الحسینی الطباطبایی است. بقول مصحح، کتاب با اینکه پیش از این دو بار در ۱۲۸۲ هـ.ق و ۱۳۰۴ هـ.ق چاپ شده بوده، ولی هیچکدام از این دو چاپ از جهت صحت در حد کتاب نبوده‌اند. از این جهت امیر نظام گروسی او را مکلف به چاپ تازه‌ای می‌کند. مصحح ذکری از نسخ مورد استفاده خود در چاپ جدید و یا روش کار نکرده اما فضل خود را در حواشی کتاب نشان داده است. بعضی لغات معنی شده، ابیات عربی اعرابگذاری شده و مهمتر از همه اینکه مآخذ ابیات عربی در بسیاری از موارد ذکر شده‌اند. غلطنامه کتاب که حتی اغلاط اعرابگذاری هم در آن ذکر شده است نشانی از دقت فراوان مصحح دارد. این چاپ تا پیش از چاپ

مرحوم استاد قریب مأخذ اهل تحقیق و تدریس بشمار می‌رفت و بقول استاد عبدالعظیم قریب «نسخه چاپ امیر نظام بهترین نسخه مطبوعه «کلیله» است». (مقدمه کلیله، ص م ب).

در ۱۳۰۷ هـ ق یکی از متون مهم بتصحیح فردی مهم در تهران بچاپ رسید: تاریخ بیهقی به تصحیح ادیب پیشاوری. گویا ادیب چند نسخه خطی قدیم و جدید و چاپ کلکته (۱۸۶۲ م) را در هنگام چاپ کتاب در اختیار داشته است. (رک: ص ۳۳۶ تاریخ بیهقی). متأسفانه ذکری از شیوه کار نشده و بنظر می‌آید که نظر ادیب بیشتر بر روان کردن و مفهوم کردن متن بوده است. از این جهت این چاپ متنی کم ایراد دارد و موارد مشکوک در آن کم است ولی از متن بیهقی تا حدودی دور افتاده است. تسلط ادیب بر عربی باعث شده است که ابیات و جملات عربی اصولاً صحیح باشند و مأخذ آنها در مواردی ذکر شده‌اند. ادیب بر این کتاب حواشی هم نوشته است که بر دو قسم است: «یک قسم مطالبی است مستقیماً مربوط به کتاب از قبیل تفسیر لغات و شرح اسامی تاریخی و جغرافیایی و بندرت مقایسه بعضی نسخه بدلها و تحقیق آنها. قسم دیگر استطرادهای خارج از موضوع است که محشی بعنوان تزییل و تکمیل یا برای عبرت خواننده یا مناقشه اخلاقی و فلسفی با مولف کتاب یا با اشخاص کتاب ذکر کرده است» (مقدمه تاریخ بیهقی چاپ مرحوم دکتر فیاض و دکتر غنی، صص، ط - ی). که طبق نظر مرحوم استاد فیاض حواشی اصلی و ارزشمند کتاب همان نوع اول است که در بعضی موارد بدلیل استفاده ادیب از علم و اطلاعات شخصی بسیار ارزشمند شده است. بهر حال این کتاب تنها یادگار علم ادیب است و جزء بهترین متون چاپ سنگی بشمار می‌رود.

دو کتاب از بابا افضل در ۱۳۱۱ هـ ق با چاپ سربی در تهران منتشر شد. «پیرایه شاهان» و «کتاب تفاحیه»، مصحح هر دو کتاب مبصر السلطنة، حاج میرزا حسین بن محمود اصفهانی است. هر دو این کتابها از روی نسخه‌ای متعلق به ۱۰۷۷ هـ ق چاپ شده‌اند و بقول مرحوم سعید نفیسی «فقط در آن بعضی اغلاط که ناشی از

خطای کاتبست دیده می شود.» (رباعیات بابا افضل، ص ۵۴).

در ۱۳۱۴ هـ ق یکی از بهترین چاپهای سنگی منتشر شد: مرصاد العباد به تصحیح نجم الدوله. قضیه چاپ کتاب از این قرار بوده که ابتدا یازده جزء کتاب توسط آقا شیخ محمد رضا طبیب ملقب به شیخ الحکما بچاپ می رسد و بعد به دلایلی کار بر عهده نجم الدوله می افتد. او نسخه‌ای دیگر می یابد و بعد از مقابله دو نسخه به تفاوت‌های فراوانی در متن پی می برد. بنابراین اجزاء باقی مانده را تصحیح و تفاوتها را در حواشی ذکر می کند و برای اجزاء چاپ شده هم غلطنامه‌ای ترتیب می دهد و تفاوتها را در آنجا ذکر می کند (رک: مرصاد العباد، ص ۲۷۰). بعدها طبق تحقیق استاد دکتر محمد امین ریاحی ارزش کار نجم الدوله مشخص شد. دکتر ریاحی تشخیص داد که ابتدا نسخه‌ای از تحریر اول کتاب (معروف به تحریر درویشانه) در چاپ کتاب مورد استفاده قرار گرفته بوده و نجم الدوله بعداً نسخه‌ای از تحریر دوم کتاب (تحریر شاهانه) را بدست آورده و اختلافات را در حواشی ذکر کرده و «بالنتیجه بی آنکه خود توجه داشته باشد شرط امانت و شیوه علمی را بکار بسته است. روی هم رفته چاپ نجم الدوله علی رغم نازیبائی ظاهر آن، در معنی نسخه‌ای است مفید و بالنسبه معتبر که نسخه کهنی مبنای آن بوده و بر چاپهای بعدی مزیت و اعتبار غیر قابل انکاری دارد» (مقدمه مرصاد العباد، چاپ دکتر ریاحی، ص ۱۲۸).

به ضمیمه مرصاد العباد «رساله آغاز و انجام» خواجه نصیر هم بچاپ رسیده است. ذکر جملات خود مصحح می تواند شیوه کار را روشنتر کند: «در تصحیح این نسخه شریفه حقیر خیلی زحمت کشیده، چون عزیزالوجود است و کمیاب؛ نسخه ثانیه برای مقابله بزحمت تحصیل نمود. قریب به دو‌یست موضع اغلاط و اسقاط یافت تصحیح نمود و تمام آیات را به توسط کشف الایات رجوع به قرآن مجید نمود. این دو نسخه را که برای استنساخ و مقابله بدست آورد چنان مختلف یافت که مایه حیرت شد. در هر حال فعلاً کمال جد و جهد در تصحیح این نسخه بعمل آمده و امید است که از تصحیف و تحریف کلمات مصون و محفوظ بماند» (آغاز و

انجام، ص ۲). در این چاپ اختلافات دو نسخه بین سطور و گاهی هم در حواشی نقل شده‌اند.

جنبش مشروطه در زمان مظفرالدین شاه و آشفتگی‌های بعد از آن اوضاع سیاسی و فرهنگی مملکت را مختل کرد بطوری که دیگر کمتر کسی مجال و سرمایه توجه به متون را داشت. از این رو افتی در چاپ متون در این دوره (دوره مظفرالدین شاه تا اواخر دوره احمد شاه) دیده می‌شود و بیشتر متون مهم این زمان در هند منتشر شده‌اند.

یکی از کتابهای معروف این زمان حافظ قدسی است که در ۱۳۲۲ هـ ق در بمبئی منتشر شد. مصحح و خطاط این کتاب محمد القدسی الحسینی است. قدسی می‌گوید که حدود ۸ سال بر سر این کتاب صرف عمر شده است و این مدت در آن زمان کم نیست. گویا او ابتدا نسخه‌ای را مورد استفاده قرار داده ولی بدلیل اغلاط آن بدنبال پیدا کردن دواوین حافظ افتاده و حدود ۵۰ دیوان را دیده و دست آخر دو نسخه از ۹۷۰ هـ ق و ۱۱۹۱ هـ ق را اساس قرار داده و متن را بر اساس آنها تصحیح و گاهی اختلافات را در حواشی ذکر کرده است. این کتاب معانی و شرح بعضی لغات حافظ را هم دارد که از میرزا احمد نصیر فرصت شیرازی است. حافظ قدسی کلاً ۵۹۷ غزل دارد و متن آن با وجود کهنگی و علمی نبودن زیباست. روشن است که روش قدسی نسبت به روشهای امروزی علمی و دقیق نیست اما نسبت به زمان خود دقت فراوانی در آن بکار رفته و هنوز هم که هنوز است برای خواندن و لذت بردن متنی مفید است.

مجموعه علم ایرانی که در ۱۳۲۳ هـ ق در تهران بکوشش نجم الدوله بصورت مخلوطی از چاپ سربی و سنگی بچاپ رسید شامل چهار کتاب در علم کشاورزی است که کتاب چهارم آن ارشاد الزراعة ابونصری هروی است که نجم الدوله او را فاضل هروی نامیده است. نجم الدوله این کتاب را از روی تک نسخه‌ای نامعلوم بچاپ رسانده و طبعاً در تصحیح آن به اندازه کتابهای دیگر دست مصحح باز نبوده

است. قصد نجم الدوله از چاپ اینرسالات در درجه اول استفاده زارعین و جلوگیری از معدوم شدن کتاب بوده است.

در همین سال جلد اول و دوم تفسیر ابوالفتوح رازی به فرمان مظفرالدین شاه در مطبعه شاهنشاهی به چاپ سربی منتشر شد. این کتاب از جهت زیبایی و نفاست بر تمامی کتب قبل از خود برتری دارد. این کتاب هم بکوشش محمد کاظم الحسینی الحسینی الطباطبایی (مصحح کلیله امیر نظام)، به چاپ رسیده است و مقدمه‌ای هم در زندگی ابوالفتوح رازی دارد. کتاب براساس نسخه‌ای است متعلق به کتابخانه سلطنتی و مورخ ۱۳۰۹ - ۱۳۰۷ هـ ق که بدست میرزا ابوالقاسم خوشنویس از روی نسخه کتابخانه آستان قدس متعلق به ۹۴۷ هـ ق نوشته شده است. ولی مصحح واقعی کتاب فرد دیگری است: ملا داود ملا باشی قاضی زاده صدخروی (ف ۱۳۲۲ هـ ق) پدر بدایع نگار نویسنده معروف دوره قاجار. ملا داود تصحیح کتاب را بدرخواست شاهزاده محمد تقی میرزای رکن الدوله و بعد از استنکاف و استعفای شیخ‌الرئیس قاجار و ملک الشعرا صبوری از این کار انجام داده است. از قراین و حکایات ذکر شده مشخص می‌شود که مصحح مردی فاضل بوده و در تصحیح دو جلد اول کتاب از روی تک نسخه‌ای نه چندان معتبر زحمت فراوانی کشیده است. (برای اطلاعات کافی از قضیه چاپ این کتاب، رک: تعلیقات نقض از مرحوم محدث ارموی، ج ۱، صص ۱۷۷-۱۶۱). ولی طبیعی است که متنی مانند ابوالفتوح با یک نسخه به سرانجام نخواهد رسید و این چاپ هم از جهت صحت در حد چندان بالایی نیست (البته به نسبت دوره خود بسیار خوبست). با مرگ رکن الدوله کار چاپ کتاب متوقف شد و همین دو جلد به مظفرالدین شاه اهدا و منتشر شد و بعدها در دوره رضاشاه چاپ سه جلد دیگر کتاب ادامه یافت.

معروفترین شاهنامه چاپ سنگی، شاهنامه امیر بهادری است که از سال ۱۳۱۹ هـ ق شروع به چاپ آن شد ولی بخاطر انقلاب مشروطه و برهم خوردن وضع مملکت کار کتاب تا ۱۳۲۶ هـ ق طول کشید. از همین جهت است که در ابتدای

کتاب هم تصویر مظفرالدین شاه دیده می شود و هم تصویر محمد علی شاه. مقصود از چاپ این کتاب، که مباشر چاپ آن امیر بهادر جنگ بوده، بدست دادن چاپی شاهانه و رسمی از حماسه ملی ایران بود. در واقع چاپ این کتاب نشان از توجه دولتمردان به تاریخ و افتخارات گذشته ایران و احساسات وطن پرستانه دارد. کتاب مقدمه ای از ادیب الممالک فراهانی در تقریظ کتاب دارد. مصحح و جامع فرهنگ آن عبدالعلی موبد بیدگلی کاشانی بوده است. مأخذ چاپ کتاب مشخص نیست و گفته شده که دستور داده شده بوده تا نسخه های کهنه را از کتابخانه ها بیاورند و از روی آن متن را چاپ کنند. ولی این مطلب بیشتر به افسانه شبیه است و احتمال می رود که متن از روی چاپ ماکان منتشر شده باشد. در چاپ کتاب و زیبایی ظاهر آن بسیار کوشش شده و واقعاً این کتاب زیباترین چاپ سنگی فارسی است و تصاویری زیبا به ارزش کتاب می افزاید. ولی در صحت متن، آن اندازه دقت بکار نرفته و جایی حتی یک صفحه کامل به متن اضافه شده است: «شاهنامه ای که امیر بهادر جنگ در اواخر عمر مظفرالدین شاه بقطع بسیار بزرگ چاپ کرد در وقت ترتیب اوراق یک صفحه از آن سفید مانده بود. مباشر طبع کتاب این نقص را جایز ندانسته و اداشت بقدر یک صفحه شعر گفتند و آن صفحه سفید را پر کردند. مرحوم عماد الکتاب کاتب کتاب این داستان را خود نقل می کرد و می گفت من مجبور بودم این عمل را بکنم. کاری که توانستم این بود که آن صفحه را نمره نگذاشتم تا نشانی برای الحاق باشد و الان هر کسی آن چاپ شاهنامه را داشته باشد می تواند آن صفحه الحاقی را که بی نمره است و بین صفحه ۳۳ و صفحه ۳۴ واقع شده ببیند» (منتخب شاهنامه، محمد علی فروغی و حبیب بغمایی، چاپ اول، ص، بیست و سه). گویا گوینده این صفحه هم خود موبد کاشانی بوده است (ابن فرد آدم شیاد و نامتعدالی بوده است. رک: کاروند کسروی، صص ۱۹۴ - ۱۹۳).

یک سال بعد (۱۳۲۷ هـ ق) کلیات سعدی به تصحیح فصیح الملک شوریده شیرازی در بمبئی بچاپ رسید. آنگونه که کاتب کتاب محمود بن علینقی شیرازی



می‌گوید، روزی در حضور شوریده و جمعی از فضیلابی شیراز بیتی از سعدی خوانده می‌شود و شوریده آنرا تصحیحی قیاسی می‌کند و بعد که نسخه‌ای کهنه از سعدی می‌آورند، می‌بینند که تصحیح شوریده با متن مطابقت داشته است. این مسأله باعث تعجب حاضرین می‌شود و از شوریده می‌خواهند که کتاب را تصحیح کند. شوریده هم این کار را موقوف به حضور حاضران و در اختیار بودن سی جلد کتاب خطی و چاپی می‌کند، کار تصحیح کتاب تا دوره مشروطه ادامه پیدا می‌کند ولی بدلیل آشوب‌های سیاسی کار متوقف می‌شود. در این مدت گلستان، غزلیات و قسمتی از بوستان و مقطعات و رباعیات تصحیح می‌شوند. روش کار شوریده بیشتر اتکاء بر نسخ خطی بوده تا ذوق شخصی، بطوری که اگر صورت غلط یا نامفهومی را در اکثر نسخ می‌دیده آنرا هیچگونه تصحیحی نمی‌کرده است. در واقع این کتاب نوعی تصحیح التقاطی است که ذکری از مآخذ در آن نشده است. در مقدمه کتاب چند نمونه از تفاوت‌های این چاپ با چاپها و نسخه‌های دیگر ذکر و روش مصحح روشن شده است. کلاً این چاپ بخاطر مسئولیت و پایبندی مصحح به اصل نسخ ارزش دارد و احتمالاً شوریده بر اثر برخورد با کتابهای اوقاف گیب از شیوه کار اروپایی هم بی‌اطلاع نبوده است. تا زمان چاپ فروغی این چاپ معتبرترین کلیات سعدی بشمار می‌رفت.

به کتابی دیگر نیز که در حواشی روزنامه چاپ شده است باید اشاره کرد. تاریخ سیستان را اعتماد السلطنه در فاصله سالهای ۱۳۰۲ - ۱۲۹۹ هـ ق در پاورقی روزنامه ایران بچاپ حروفی منتشر کرد (رک: چاپ جدید روزنامه ایران، ج ۳، صص ۲۲۷۵ - ۱۹۰۳). نسخه اساس این چاپ همان تک نسخه‌ای است که بعدها توسط مرحوم استاد بهار تصحیح شد. این کار چه از جهت توجه به تصحیح و چاپ متون و چه منتشر کردن متنی قدیمی در پاورقی یک روزنامه ارزش دارد.

### نتیجه :

در پایان مقاله به این نتیجه می‌رسیم که کوششهایی که قدما در چاپ متون به صورت سنگی انجام داده‌اند در بعضی موارد با گونه‌ای تصحیح همراه بوده، که بیشتر متکی بر سنتهای کاتبان است. ولی این کوششها را در بررسی سیر تحول تصحیح در ایران نمی‌توان از نظر دور داشت.

### فهرست متون چاپی مورد بررسی:

#### \* تاریخ چاپ به هجری قمری است

- ۱- اسرارنامه، عطارنیشابوری، به تصحیح عبدالغفار نجم الدوله، تهران، ۱۲۹۸، رقعی، سنگی، ۲۴۰.
- ۲- پیرایه شاهان، بابا افضل کاشانی، به تصحیح مبصرالسلطنة، تهران، [خورشید]، ۱۳۱۱، جیبی، سربی، ۴۷+۸.
- ۳- تاریخ بیهقی، به تصحیح سید احمد ادیب پیشاوری، به خط محمد حسن گلپایگانی، تهران، دارالطباعة میرزا حبیب الله، وزیری، سنگی، ۶۹۰+ [۳].
- ۴- ترجمه تاریخ یمینی، به تصحیح حبیب الدین محمد گلپایگانی، بکوشش بهمن میرزا قاجار، تهران، ۱۲۷۲، رقعی، سنگی.
- ۵- تفاحیه، بابا افضل کاشانی، به تصحیح مبصرالسلطنة، تهران، [خورشید]، ۱۳۱۱، جیبی، سربی، ۵۱+۷.
- ۶- تفسیر ابوالفتوح رازی، تهران، مطبعة شاهنشاهی، ۱۳۲۳، رحلی، سربی، ۲ ج، ج ۱: ۷۸۸+۵، ج ۲: ۶۵۷.
- ۷- دیوان انوری، به خط اسماعیل آشتیانی، تبریز، کارخانه آخوند ملا صالح، بدسترنج استاد محمد مهدی، ۱۲۶۶، وزیری، سنگی، ۳۸۱.
- ۸- دیوان حافظ به تصحیح و خط محمد قدسی حسینی، بمبئی، مطبعة نادری، ۱۳۲۲، رقعی، سنگی، ۴۹۶.
- ۹- دیوان سنایی، تهران، ۱۲۷۴، رحلی، سنگی، ۲۷۴.
- ۱۰- دیوان قانی، به خط کلهر، تهران، ۱۲۷۴، رحلی، سنگی، ۴۸ + ۳۸۵ + ۲۶ (از فهرست مشار).

- ۱۱- دیوان مسعود سعد سلمان، به تصحیح سید ابوالقاسم خوانساری، به خط میرزا آقا کمره‌ای، تهران، ۱۲۹۶، وزیری بزرگ، سنگی.
- ۱۲- دیوان ناصر خسرو، به دستور حاجی نصرالله شالچی، به خط عسگراردوبادی، تبریز، چاپخانه میرزا محمد حسین بن رضا، ۱۲۸۰، خشتی، سنگی، ۱۱+۲۷۷.
- ۱۳- شاهنامه فردوسی، به سعی و اهتمام حاجی عبدالمحمد رازی، به خط مصطفی قلی بن محمد هادی سلطان کجوری، بدستور حاجی محمد حسین تاجر تهرانی، تهران، چاپخانه حاجی عبدالمحمد رازی، ۱۲۶۷، رحلی، سنگی.
- ۱۴- همان، بدستور امیر بهادر جنگ، به خط عمادالکتاب، مقدمه از ادیب الممالک فراهانی، تهران، مطبعة آقا سید مرتضی، مباشر طبع میرزا محمد خوانساری، ۱۳۱۹-۱۳۲۶، سلطانی، سنگی.
- ۱۵- قابوسنامه و توزک امیر تیمور، به تصحیح رضاقلی خان هدایت، به کوشش حاج محمد حاجب الدوله، به خط علی اصغر تفرشی، تهران، کارخانه آقامیر باقر، تهران، ۱۲۸۵، وزیری، سنگی.
- ۱۶- کلیات سعدی، به تصحیح فصیح الملک شوریده شیرازی، به خط محمود ابن علینقی شیرازی، به کوشش میرزا علینقی صاحب شیرازی، بمبئی، [مظفری]، ۱۳۲۷، وزیری بزرگ، سنگی، ۴+۴۳۲+۸.
- ۱۷- کلیات یغمای جندقی، جمع آوری حاجی محمد اسماعیل تهرانی، به اهتمام اعتضاد السلطنه، تهران، ۱۲۸۳، رحلی، سنگی، ۳۹۲.
- ۱۸- کلیله و دمنه، به تصحیح محمد کاظم الحسنی الحسینی الطباطبایی، بدستور حسنعلی خان امیر نظام گروسی، به اهتمام عباسقلی میرزا، به خط محمد باقر منشی تبریزی، تبریز، دارالطباعة مشهدی اسدآقا، ۱۳۰۵، وزیری، سنگی، ۶۰+۳۶۹.
- ۱۹- مثنوی مولوی، به کوشش میرزا محمد طاهر مستوفی کاشانی، بدستور محمد رحیم خان علاءالدوله، به خط محمد باقر موسوی امامی اصفهانی، تهران، ۱۲۹۹، رحلی، سنگی، ۶۷۱ + [غ] + ۱۶ + ۱۴۶ + [غ].
- ۲۰- مجموعه علم ایرانی، به کوشش عبدالغفار نجم الدوله، تهران، ۱۳۲۳، خشتی، سنگی و سربی، ۱۱۶ + ۶۲ + ۳۰ + ۱۸۸ (کتاب چهارم ارشاد الزراعة است).
- ۲۱- مرصاد العباد، نجم الدین رازی، به همراه آغاز و انجام از خواجه نصیر طوسی، به تصحیح عبدالغفار نجم الدوله، به خط محمد صادق تویسرکانی، تهران، ۱۳۱۲-۱۴، وزیری، سنگی،

### منابع:

- ۱- از صبا تا نیما، یحیی آرین پور، تهران، زوار، ۱۳۷۲، ۲ ج.
- ۲- پژوهش ادبی، دکتر شوقی ضیف، ترجمه عبدالله شریفی خجسته، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.
- ۳- تاریخ بیهقی، به تصحیح دکتر علی اکبر فیاض و دکتر قاسم غنی، تهران، وزارت فرهنگ، ۱۳۲۴.
- ۴- ترجمه تاریخ یمینی، ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفاذقانی، به تصحیح دکتر جعفر شعار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵.
- ۵- تعلیقات نقض، میر جلال الدین محدث ارموی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸، ۲ ج.
- ۶- چهار مقاله، نظامی عروضی، به تصحیح محمد قزوینی، لیدن، اوقاف گیب، ۱۹۰۹ م.
- ۷- دیوان انوری، به تصحیح سعید نفیسی، تهران، پیروز، ۱۳۳۷.
- ۸- همان، به تصحیح محمد تقی مدرس رضوی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴، ۲ ج.
- ۹- دیوان سنائی، به تصحیح محمد تقی مدرس رضوی، تهران، سنایی، ۱۳۶۴.
- ۱۰- دیوان مسعود سعد، به تصحیح رشید یاسمی، تهران، ادب، ۱۳۱۸.
- ۱۱- رباعیات باباافضل کاشانی، به تصحیح سعید نفیسی، تهران، دانشکده، ۱۳۱۱.
- ۱۲- قابوسنامه، عنصرالمعالی کیکاوس بن وشمگیر، به تصحیح سعید نفیسی، تهران، ۱۳۱۲.
- ۱۳- همان، به تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
- ۱۴- کاروند کسروی، به کوشش یحیی ذکاء، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۲۵۳۶.
- ۱۵- کلیله و دمنه، نصرالله منشی، به تصحیح عبدالعظیم قریب، چاپ چهارم، تهران، معرفت، ۱۳۱۹.
- ۱۶- مرصاد العباد، نجم رازی، به تصحیح دکتر محمد امین ریاحی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲.
- ۱۷- منتخب شاهنامه، محمد علی فروغی و حبیب یغمائی، تهران، وزارت فرهنگ، ۱۳۲۱.

